

دکتر علی حیدری* دکتر قاسم صحرایی** پروانه مؤمن‌نیا***

چکیده

یکی از شگردهای صائب نظیره‌گویی است. در دیوان او به نام حدود هشتاد شاعر اشاره شده است. بعد از مولوی، بیشترین استقبال و اقتفاهای صائب از حافظ است. صائب بیست و نه غزل را به استقبال غزل‌های حافظ سروده که در پایان غزل به نام او اشاره کرده است. علاوه بر این حدود ۱۶۰ غزل دیگر حافظ را از جهت وزن، قافیه و ردیف تقلید کرده؛ اما به اسم او اشاره نکرده است. گاهی اوقات نیز در مقابل یک غزل حافظ، چندین غزل سروده است. در این مقاله همان بیست و نه غزل که صائب به استقبال حافظ سروده و به نام او اشاره کرده است، از نظر سبک‌شناسی در سه سطح (ادبی، زبانی، فکری) مقایسه شده است. به طور کلی در سطح ادبی، حافظ در استفاده از شگردهایی مانند سجع، جناس، تکرار، تضاد، ایهام و تلمیح بر صائب برتری دارد و صائب نیز در کاربرد صناعی مانند: ایهام تناسب و استخدام بر حافظ پیشی گرفته است. در موارد بیانی نیز صائب تشبیهات بیشتری به کار برده است و در موارد دیگر تفاوت چندانی دیده نمی‌شود. در سطح زبانی حافظ نسبت به صائب برتری نسبی دارد؛ اما از همه مهم‌تر در سطح فکری صائب بیشتر به مضمون‌سازی و تصویرپردازی پرداخته، در حالی که حافظ به معانی و اندیشه‌های والایی اشاره کرده است.

واژه‌های کلیدی

صائب، حافظ، غزل، سبک‌شناسی، اقتفا.

مقدمه

نظیره‌گویی یکی از خصوصیات شعری صائب تبریزی است. بیشترین استقبال‌های صائب از غزلیات مولوی است. حدود ۶۰ غزل مولوی را با اشاره به نام او (مولوی، مولانا، ملا، ملای روم، عاشق شمس و...) سروده است. پس از مولوی، حافظ دومین شاعری است که مطمح نظر صائب بوده است. به طور کلی صائب در مقابل ۱۸۸ غزل از دیوان حافظ، حداقل ۲۹۰ غزل سروده است. (معیار ما در این آمار، غزلیات هم وزن و قافیه و ردیف است، حتی اگر صائب غزل خود را به استقبال غزل شاعر دیگری سروده باشد)؛ اما از این تعداد فقط ۲۸ غزل حافظ را با نام (حافظ، خواجه و گاهی با تضمین مصرعی از او) استقبال کرده و در مقابل این ۲۸ غزل، ۲۹ غزل سروده است (در یک مورد در مقابل دو غزل حافظ یک غزل سروده، و در دو مورد در مقابل یک غزل حافظ دو غزل سروده است). آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، همین غزل‌هایی است که به نام حافظ تصریح شده است.

ما در این مقاله ابتدا نکاتی درباره چگونگی استقبال‌های صائب از حافظ بیان می‌کنیم و سپس مصرع اول غزل‌هایی را که صائب به اقتضای حافظ گفته و به نام او تصریح کرده است، نقل می‌کنیم و در پایان نتیجه‌ای که از مقایسه غزلیات مشترک (۲۸ غزل حافظ در مقابل ۲۹ غزل صائب) به دست آمده، ارائه می‌دهیم.

با اینکه در بعضی از غزل‌ها تأثیرپذیری صائب از حافظ تقریباً محرز است؛ اما چون آن غزل‌ها از نظر وزن و قافیه و احیاناً ردیف، یکسان نیستند، در این مقایسه لحاظ نشده‌اند؛ نظیر غزل‌های شماره ۵۰۰۲ صائب و ۲۷۲ حافظ، ۵۷۶۶ صائب و ۳۴۶ حافظ، ۳۲۵ صائب و اولین غزل حافظ. همچنین گاهی اوقات غزل‌هایی تمام شرایط اقتفا را دارند (وزن، قافیه و ردیف مشابه)؛ اما چون به این اقتفا تصریح نشده است، از مقایسه آنها چشم پوشی کرده‌ایم؛ مانند: غزل ۵۷۷۶ صائب در مقابل غزل ۳۵۸ حافظ. در جاهایی نیز با این که غزل صائب شرایط اقتفا را دارد؛ اما به تصریح خود صائب آن را در جواب غزل شاعر دیگری گفته است؛ مانند: غزل ۵۸۵ صائب و غزل شماره ۴ حافظ. از نوآوری‌های صائب در نظیره‌گویی، یکی آن است که گاهی یک غزل را به استقبال دو غزل از دو شاعر سروده است؛ مانند: غزل شماره ۱۹۴۸ که به استقبال غزل سعدی و مولوی گفته است. همچنین در غزل شماره ۱۲۸۹ از طالب و عرفی، غزل ۲۰۲۰ از مولوی و سنائی، غزل ۸۱۲ از نظیری و عرفی و... نام می‌برد و حتی در غزل ۵۳۴۰ از مولوی و سنائی و عطار یاد می‌کند. گاهی استقبال او از غزل دیگران به صورت کنایه و مبهم است؛ مانند: غزل ۳۷۴۱ که می‌گوید: (جواب آن غزل است این که عارفی گفته است...)

چنانکه گفتیم در دیوان صائب، حدود ۲۹۰ غزل هم وزن و قافیه و ردیف با غزلیات حافظ وجود دارد؛ اما در بسیاری از موارد این مشابهت تصادفی است. ما در این مقاله فقط غزل‌هایی را بررسی کرده‌ایم که صائب صریحاً اذعان کرده است که غزل خود را به استقبال غزل حافظ سروده است. گاهی اوقات صائب چندین غزل را در جواب یک غزل حافظ سروده است؛ چه در غزلیاتی که به اسم او تصریح کرده و چه در غزلیاتی که اسم او را ذکر نکرده است. گاهی نیز برعکس، یک غزل را در جواب دو غزل حافظ گفته است. از این مهم‌تر در دیوان صائب غزلی با مطلع:

صفر شهر توفیق حسن آواز است کمند عشرت رم کرده رشته ساز است

(غزل/ ۱۶۸۷)

وجود دارد که در بیت پایان می‌گوید:

ز جام حافظ شیراز مست گردیده است کلام صائب از آن رو شراب شیراز است

با توجه به اینکه در تمام غزل‌هایی که صائب در مقطع آنها به نام حافظ یا خواجه اشاره کرده است، بدون استثنا به غزلی از حافظ نظر داشته و در اکثر مواقع مصرعی از حافظ را نیز تضمین کرده است، شاید بتوان حدس زد که غزلی بر این وزن و قافیه در بعضی از نسخ دیوان حافظ، یا نسخه‌ای که در دسترس صائب بوده، وجود داشته است. هر چند امکان دارد، صائب فقط جهت تَبَرک به نام حافظ شیراز، مقطع غزل را به نام او مزین کرده باشد.

صائب علاوه بر تتبع از غزلیات حافظ، که در مورد آنها بحث خواهد شد، به تقلید و استقبال غزلیات شاعران دیگری هم از قدما و معاصران خود پرداخته است. حتی گاهی اوقات به تتبع غزل کسی پرداخته که شاید از شاعران گمنام سبک هندی بوده است. «صائب سودایی به نظیره‌گویی داشته، به حدی که می‌توان تصور کرد، یکی از انگیزه‌های وی در سرودن غزل همین امر بوده است، تنها به استقبال بزرگانی چون سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ اکتفا نکرده؛ بلکه به نظیره‌گویی از شاعران دسته دوم و حتی معاصران خود برخاسته و شاید قریب هفتاد یا هشتاد شاعر را مورد طبع آزمایی قرار داده است» (دشتی، ۱۳۶۴: ۱۲). در دیوان صائب حداقل به نام ۷۷ شاعر اشاره شده است که بیش از ۲۰ شاعر برای ایرانیان ناآشنا هستند. علاوه بر آن گاهی اوقات به کنایه از شاعری نام برده که شاید بعضی از آنها خارج از مرزهای ایران بوده باشند.

استقبال‌های صائب از حافظ

در اینجا برای دوری از اطالۀ کلام، فقط به ذکر مصرع اول غزل‌های حافظ و صائب اشاره می‌شود (مصرع‌های اول از غزل حافظ و مصرع‌های دوم از صائب است):

۱- غزل حافظ (۱۶) غزل صائب (۹۴۱)

- | | |
|---|--|
| خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت (۱۶) | بنفشه پیش خطت قفل بر زبان انداخت (۹۴۱) |
| اگر چه عرض هنر پیش یار بی ادبی است (۶۴) | ز یار لطف نهان خواستن فزون طلبی است (۱۷۶۳) |
| عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت (۸۰) | پشت آینه بود پرده مستوری زشت (۱۶۲۶) |
| مطرب عشق عجب ساز و نوائی دارد (۱۲۳) | ذره‌ام چشم به خورشید لقایی دارد (۲۷۷۸) |
| شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد (۱۲۵) | هر کف خاک ز احسان تو جانی دارد (۲۷۷۰) |
| سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد (۱۴۳) | آن که منع من مخمور ز صهبا می‌کرد (۲۹۵۴) |
| نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند (۱۷۷) | در چمن جلوه‌گر آن قامت رعنا می‌کرد (۲۹۵۸) |
| دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند (۱۸۴) | نه هر سخن شناسی سخنوری داند (۳۵۳۴) |
| نقدها را بود آیا که عیاری گیرند (۱۸۵) | نغمه عشق به گوش من دیوانه زدند (۳۵۰۹) |
| غلام نرگس مست تو تاجدارانند (۱۹۵) | مهر را سوختگان بوتۀ خاری گیرند (۳۵۲۲) |
| آن یار کزو خانه ما جای پری بود حافظ (۲۱۶) | سپند خال لب آتشین عذارانند (۳۹۵۴) |
| بر سر آنم که گر ز دست برآید (۲۳۲) | تا منزل من بادیۀ بی خبری بود (۴۴۲۵) |
| | از کمرش کام دل چگونه برآید؟ (۴۳۶۳) |

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید	دعوی عشق زهر بو الهوسی می آید (۳۶۳۸)
	(در نسخه غنی - قزوینی وجود ندارد)
ای صبا نکستی از خاک ره یار بیار (۲۴۹)	ای صبا برگی از آن گلشن بی خار بیار (۶۷۵)
هزار شکر که دیدم به کام خویش باز (۲۵۸)	
منم که دیده به دیدار دوست کردم باز (۲۵۹)	دگر که را کنم از اهل درد محرم راز؟ (۴۷۹۱)
بیا و کشتی ما در شط شراب انداز (۲۶۳)	بگیر جام هلالی ز رخ نقاب انداز (۴۷۹۴)
گلعداری ز گلستان جهان ما را بس (۲۶۸)	طاق ابروی تو از کون و مکان ما را بس (۴۸۴۶)
اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش (۲۷۳)	ز خار زار تعلق کشیده دامان باش (۵۰۰۳)
صوفی گلی بچین و مرقع به خار بخش (۲۷۵)	صبح است ساقیا قدح خوشگوار بخش (۵۰۵۷)
شراب تلخ می خواهم که مردافکن بود زورش (۲۷۸)	شرابی را که چون پروانه گردد گرد سر طورش (۴۹۳۸)
چو برشکست صبا زلف عنبر افشانش (۲۸۰)	چنان ز دل گذرد صاف تیر مژگانش (۵۰۱۹)
به وقت گل شدم از توبه شراب خجل (۳۰۵)	نیم ز پرسش محشر به هیچ باب خجل (۵۲۵۲)
ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم (۳۶۶)	گرچه با کوه گرانسنگ گناه آمده ایم (۵۶۸۷)
ز در درآ و شبستان ما منور کن (۳۹۷)	دمید صبح، سر از خواب بیخودی برکن (۶۳۵۷)
	ترا که گفت وطن زیر چرخ اخضر کن؟ (۶۳۵۸)
ناگهان پرده برانداخته ای یعنی چه (۴۲۰)	سرو من طرح نو انداخته ای یعنی چه؟ (۶۶۱۳)
ای که در کوی خرابات مقامی داری (۴۴۸)	رخصت بوسه اگر از لب جامی داری (۶۸۳۱)
ای بیخبر بکوش که صاحب خیر شوی (۴۸۷)	چندان به خضر ساز که از خود بدر شوی (۶۹۶۴)

شیوه کار

از آنجا که پرداختن به مسائل سبک شناسی آن هم از دیدگاه‌های مختلف در یک متن عملاً غیرممکن است، ما در این تحقیق این غزل‌ها را در سه سطح ادبی، زبانی و فکری بررسی کرده ایم و در هر سطح نیز فقط مواردی که در هر دو اثر وجود داشته و یا حدس زده ایم در یک اثر بنا به دلایلی، بیشتر از اثر دیگری است، بررسی نمودیم و از بررسی تمام موارد ادبی، زبانی و فکری، برای دوری از اطناب، پرهیز کرده ایم. مثلاً از دو مورد همحروفی (تکرار صامت) و همصدایی (تکرار مصوت) فقط به بررسی همحروفی پرداخته ایم؛ زیرا آهنگین‌تر، گوشنوازتر و ملموس‌تر است. به عنوان نمونه در بیت ذیل از حافظ:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اوّل ولی افتاد مشکله

انبوهی از مصوت‌های بلند (آ) در کنار هم آمده است؛ اما به اندازه تکرار صامت «سین» (سه بار) در بیت دیگری از او، ملموس و آهنگین نیست:

ساقی سیم ساق من گر همه درد می دهد کیست که تن چو جام می جمله دهن نمی کند

گفتنی است که شیوه ما در این مقاله بیشتر مبتنی بر شیوه‌ای است که شمیسا در «مقایسه سبک شناسانه غزلی از حافظ و سعدی» به انجام رسانیده است (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

ذکر این نکته بایسته است که اگرچه تمام موارد با دقت بررسی شده است؛ اما از آنجا که بعضی از موارد، در بخش ادبی، پنهان و گاهی برای بعضی از خوانندگان برای همیشه مخفی خواهد ماند، ممکن است از دید ما نیز پنهان شده باشد و گاهی نیز ممکن است، سهوی و اشتباهی که آدمی از آن ناگزیر است، رخ داده باشد؛ اما چون این سهوها و... عمدی نبوده و از طرفی دیگر در شعر هر دو شاعر اتفاق افتاده است، بعید می‌دانیم در نتیجه‌گیری دخیل باشد. به عبارت دیگر این خطاها معنی دار نخواهد بود.

بحث و بررسی

چنانکه گفتیم صائب ۲۸ غزل حافظ را (در یک مورد در مقابل دو غزل حافظ یک غزل سروده و در دو مورد در مقابل یک غزل حافظ دو غزل سروده است) استقبال کرده است. برای اینکه قضاوت ما در این مورد به صحت نزدیک‌تر باشد، تمام موارد زبانی و ادبی را به نسبت کل ابیات هر شاعر سنجیده‌ایم. به عنوان مثال تعداد سجع‌هایی که در ۲۸ غزل حافظ به کار رفته با هم جمع کرده و نسبت آن را با تعداد ابیات ۲۸ غزل محاسبه کرده‌ایم. هر چند با قاطعیت نمی‌توان گفت که وجود صنایع بدیعی و... در یک اثر، دال بر برتری آن اثر بر اثری دیگر است. این شیوه که ما در پیش گرفته‌ایم، بیشتر برای مسائل سبک‌شناسی - خواه سبک فردی و خواه سبک دوره - کار آمد خواهد بود. در سبک‌شناسی ساختگرا همه این موارد با هم و در کلیت اثر مطرح خواهند بود و به تنهایی جنبه هنری نخواهند داشت (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۲۹) و فقط بر این مبنا می‌توان تا حدی جنبه‌های ادبی یا زبانی شاعری را در مقایسه با شاعری دیگر نمایان کرد، آن هم در همه جا قطعیت نخواهد داشت؛ زیرا در این آمار، خوب و متوسط، خوب و عالی و... در یک موازنه قرار می‌گیرند و از ارزش یکسانی برخوردارند. به عنوان مثال بعضی از ایهام‌های حافظ که جنبه ضرب‌المثل پیدا کرده و احیاناً بیانگر دو نظریه مختلف اعتقادی، تربیتی و... هستند در مقابل ایهامی از صائب قرار می‌گیرد که فقط جنبه هنری و مضمون‌سازی آن مد نظر صائب بوده و برای خوانندگان نیز ارزشی بیشتر از آن ندارند. در اینجا ما نتایج به دست آمده را ابتدا به صورت جدولی ارائه می‌دهیم، سپس بصورت مختصر در مورد بعضی از موارد توضیحاتی بیان می‌کنیم:

۱. ادبی - بدیع معنوی

	صائب		حافظ		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تناسب	۶۴۸	۲/۲	۵۱۸	۲/۲	
تضاد	۹۲	٪۳۱	۱۰۵	٪۴۴	
ایهام	۸۲	٪۲۸	۷۳	٪۳۱	
ایهام تناسب	۱۸۰	٪۶۱	۹۸	٪۴۱	
ایهام تضاد	۵۹	٪۲۰	۳۲	٪۱۳	

استخدام	۱۴	٪/۰۶	۴۹	٪/۱۷
حسن تعلیل	۱۹	٪/۰۸	۳۱	٪/۱۰
تلمیح	۲۲	٪/۰۹	۲۴	٪/۰۸

۱. ادبی - بیان

	حافظ		صائب	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تشبیه	۱۴۰	٪/۵۹	۳۰۵	٪/۱۰۴
استعاره	۱۶۰	٪/۶۷	۲۰۲	٪/۶۹
کنایه	۱۲۹	٪/۵۴	۱۸۱	٪/۶۲
مجاز	۴۸	٪/۲۰	۵۳	٪/۱۸

۲. زبانی - آوایی

	حافظ		صائب	
	تعداد کلمات	درصد	تعداد کلمات	درصد
یک هجایی	۱۸۵۹	٪/۵۲	۲۲۴۸	٪/۵۲
دو هجایی	۱۱۷۶	٪/۳۳	۱۴۲۷	٪/۳۳
سه هجایی	۴۴۹	٪/۱۲/۵	۵۰۳	٪/۱۲
چهار هجایی	۸۳	٪/۲/۵	۱۱۱	٪/۲/۶
بیش از چهار هجایی	۸	٪/۰/۲۲	۱۴	٪/۰/۳۰

۲. زبانی - بدیع لفظی

	حافظ		صائب	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سجع	۱۹۲	٪/۸۱	۱۸۸	٪/۶۴
جناس	۱۰۶	٪/۴۴	۸۸	٪/۳۰
تکرار	۶۹	٪/۲۹	۷۶	٪/۲۶
همحروفی	۱۱۷	٪/۴۹	۱۴۴	٪/۴۹

۲. زبانی - لغوی

صائب	حافظ		تعداد	درصد
	تعداد	درصد		
	۴۵	۰/۴۲٪	۱۲	۱/۵۵٪
تکرار قافیه	۷۱۷	۲/۹٪	۶۹۰	۲/۴۳٪
لغات عربی	۵۶۸	۱/۹٪	۴۵۲	۱/۹٪
ترکیبات اضافی	۱۳۸	۰/۴۵٪	۱۰۸	۰/۴۷٪
ترکیب سازی				

۲. زبانی - نحوی

صائب	حافظ		تعداد	درصد
	تعداد	درصد		
	۱۵۱	۰/۷۰٪	۱۶۷	۰/۵۱٪
جملات دارای منطقی نثری				

۱. سطح ادبی

۱-۱: بدیع معنوی

۱-۱-۱. تناسب: در غزل‌های حافظ ۵۱۸ مورد تناسب وجود داشته (۲/۲)؛ یعنی در هر بیت بیش از دو تناسب وجود داشته است. در غزل‌های صائب نیز ۶۴۸ مورد تناسب وجود داشته است (۲/۲). در تمام موارد ادبی و زبانی برای سهولت کار، تمام آمارها حداکثر تا دو رقم اعشار گرد شده است

۱-۱-۲. تضاد: در غزل‌های حافظ ۱۰۵ مورد تضاد وجود داشته است (۴/۴) و در غزل‌های صائب ۹۲ مورد، (۳/۱).

۱-۱-۳. ایهام: در غزل‌های حافظ ۷۳ مورد ایهام وجود داشته است (۳/۱) و در غزل‌های صائب ۸۲ مورد (۲/۸).

۱-۱-۴. ایهام تناسب: در این قسمت علاوه بر ایهام تناسب، ایهام تبادر و ایهام ترجمه نیز مد نظر ما بوده است؛ زیرا در شعر هر دو شاعر این شگردها آنقدر زیاد نبود که برای این موارد مدخلی جداگانه در نظر بگیریم. در غزل‌های حافظ ۹۸ مورد ایهام تناسب وجود داشته است (۴/۱) و در غزل‌های صائب ۱۸۰ مورد (۶/۱).

۱-۱-۵. ایهام تضاد: در این قسمت نیز علاوه بر ایهام تضاد، عبارات پارادوکسی را نیز به عنوان ایهام تضاد ذکر کرده‌ایم. در غزل‌های حافظ ۳۲ مورد ایهام تضاد وجود داشته است (۱۳/۱) و در غزل‌های صائب ۵۹ مورد (۲۰/۰).

۱-۱-۶. استخدام: در این قسمت انواع استخدام (استخدام ضمیر و...) را تحت یک عنوان بررسی کرده‌ایم. در غزل‌های حافظ ۱۴ مورد استخدام وجود داشته است (۰/۰۶٪) و در غزل‌های صائب ۴۹ مورد (۱۷/۰). به نظر می‌رسد که استخدام خاص شعر هندی باشد که صائب و شعرا سبک هندی نیز بوفور از این صنعت در شعر خود استفاده کرده‌اند. میر غلامعلی آزاد بلگرامی در کتاب غزالان الهند می‌گوید: «این قسم استخدام مشترک است میان عرب و هند ... و ادبای

فرس به این صنعت اصلاً پی نبرده‌اند» و در مورد استخدام مضمیر (ضمیر) می‌گوید: «... در عربی مزه خاص دارد و در فارسی پر بی مزه واقع شده است و منشأ این معنی خصوصیت زبان است» (آزاد بلگرامی، ۱۳۸۲: ۲-۵۱).

۷-۱-۱. **حسن تعلیل:** درغزل‌های حافظ ۱۹ مورد حسن تعلیل وجود داشته است (۰.۸٪) و در غزل‌های صائب ۳۱ مورد (۱.۰٪).

۸-۱-۱. **تلمیح:** درغزل‌های حافظ ۲۲ مورد تلمیح وجود داشته‌است (۰.۰۹٪) و در غزل‌های صائب ۲۴ مورد (۰.۰۸٪).

۱-۲. بیان

۱-۲-۱. **تشبیه:** در این قسمت تمثیل و اسلوب معادله را نیز به عنوان تشبیه در نظر گرفته‌ایم. درغزل‌های حافظ ۱۴۰ مورد تشبیه وجود داشته است (۰.۵۹٪) و در غزل‌های صائب ۳۰۵ مورد (۱.۰۴٪).

۲-۲-۲. **استعاره:** در این قسمت علاوه بر استعاره مصرحه، استعاره کنایی و سمبل را نیز، لحاظ کرده‌ایم. در غزل‌های حافظ ۱۶۰ مورد انواع استعاره وجود داشته است (۰.۶۷٪) و در غزل‌های صائب ۲۰۲ مورد (۰.۶۹٪).

۳-۲-۳. **کنایه:** درغزل‌های حافظ ۱۲۹ مورد انواع کنایه (۰.۵۴٪) و در غزل‌های صائب ۱۸۱ مورد (۰.۶۲٪) وجود داشته است.

۴-۲-۴. **مجاز:** در غزل‌های حافظ ۴۸ مورد انواع مجاز (۰.۲۰٪) و در غزل‌های صائب نیز ۵۳ مورد (۰.۱۸٪) وجود داشته است.

۲. سطح زبانی

۲-۱. **آوایی:** چنانکه قبلاً گفتیم از غزل‌های حافظ ۲۸ غزل مورد بررسی قرار گرفته که مجموع ابیات آنها ۲۳۸ بیت می‌باشد. هر غزل حافظ به طور متوسط ۸/۵ بیت داشته است. مجموع کلمات این ۲۳۷ بیت نیز ۳۵۷۵ کلمه است که ۱۸۵۹ کلمه (۰.۵۲٪) از آنها یک هجایی، ۱۱۷۶ کلمه (۰.۳۳٪) دو هجایی، ۴۴۹ کلمه (۰.۱۲٪) سه هجایی، ۸۳ کلمه (۰.۲/۵٪) چهار هجایی و ۸ کلمه (۰.۰۲۲٪) بیش از چهار هجایی است.

غزل‌هایی که از صائب بررسی شده ۲۹ غزل بوده که مجموع ابیات آنها ۲۹۴ بیت می‌باشد. به طور متوسط هر غزل ۱۰ بیت داشته‌است. تعداد کلمات این ابیات ۴۳۰۳ کلمه است که ۲۲۴۸ کلمه (۰.۵۲٪) آنها یک هجایی، ۱۴۲۷ کلمه (۰.۳۳٪) دو هجایی، ۵۰۳ کلمه (۰.۱۲/۵٪) سه هجایی و ۱۱۱ کلمه (۰.۲/۶٪) چهار هجایی و ۱۴ کلمه (۰.۰۳۰٪) بیش از چهار هجایی است. چنانکه مشخص است، اگر مجموع درصدها اندکی بیش یا کمتر از ۱۰۰٪ است، ناشی از گرد کردن اعداد بوده است.

۲-۱-۱. بدیع لفظی

در این قسمت در هر بیت سجع‌ها استخراج شده است، تکیه ما در این تحقیق بیشتر بر سجع متوازی و مطرف بوده است و بندرت به سجع متوازن پرداخته‌ایم؛ زیرا بسیاری از کلمات بدون اینکه هم آوایی داشته باشند، می‌توانند با هم سجع متوازن داشته باشند.

۱-۱-۱-۲. **سجع:** در ۲۳۸ بیت حافظ (مجموع ابیات ۲۸ غزل حافظ)، ۱۹۲ مورد سجع وجود دارد؛ یعنی ۸۱٪ ابیات آن دارای سجع هستند. در ۲۹۴ بیت صائب ۱۸۸ مورد سجع وجود دارد. یعنی ۶۴٪ ابیات دارای سجع هستند.

۲-۱-۱-۲. جناس: در غزل‌های حافظ ۱۰۶ مورد جناس به کار رفته (۴۴٪) و در غزل‌های صائب ۸۸ مورد جناس به کار رفته است (۳۰٪).

۲-۱-۱-۳. تکرار: اگر در بیتی کلمه‌ای (بجز حروف) تکرار شده است متذکر شده‌ایم. لازم به ذکر است در مطلع غزل‌ها که مردف بوده‌اند، ردیف را به عنوان تکرار ذکر نکرده‌ایم. در غزل‌های حافظ ۶۹ مورد تکرار وجود داشته است (۲۹٪) و در غزل‌های صائب ۷۶ مورد (۲۶٪).

۲-۱-۱-۴. همحروفی: در غزل‌های حافظ ۱۱۷ مورد همحروفی وجود داشته است (۴۹٪) و در غزل‌های صائب ۱۴۴ مورد (۴۹٪).

۲-۲. لغوی

۲-۲-۱. تکرار قافیه: در ۲۸ غزل حافظ ۱۲ مورد تکرار قافیه وجود داشته (۴۲٪)؛ یعنی به طور متوسط در هر دو غزل حافظ، کمتر از یک مورد تکرار قافیه وجود داشته است. در ۲۹ غزل صائب ۴۵ مورد تکرار قافیه وجود داشته است (۱۵۵٪)؛ یعنی در هر دو غزل بیش از سه بار تکرار قافیه صورت گرفته است. گاهی اوقات در یک غزل، قافیه‌ای بیش از دو مورد (فقط در غزل‌های صائب) تکرار شده است؛ اما این چنین موارد را فقط یک تکرار قافیه به حساب آوردیم و گرنه آمار تکرار قافیه در غزل‌های صائب بیشتر از این خواهد بود. «در سبک هندی بر خلاف سنت رایج استادان سبک خراسانی و آذربایجانی و عراقی (که تکرار قافیه را عیب می‌شمردند و اگر شاعری ناچار می‌شد در یک قصیده بلند به فاصله چندین بیت قافیه را تکرار کند به عذر خواهی می‌پرداخت) شاعران سبک هندی، تکرار قافیه را به فاصله یک یا دو بیت (و گاهی بی هیچ فاصله‌ای) عیب نمی‌شمردند؛ بلکه آن را نوعی هنرنمایی نیز به حساب می‌آورده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۷۲-۷۱). در بین شعرای سبک هندی نیز صائب بیشتر از دیگران از تکرار قافیه بهره گرفته است، هم به لحاظ کثرت تکرار قافیه در یک غزل، هم به لحاظ تعداد غزل‌هایی که در آن تکرار قافیه صورت گرفته است (حسین پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

۲-۲-۲. لغات عربی: در ۲۳۸ بیت حافظ ۶۹۰ کلمه عربی وجود داشته (۲/۹٪)؛ یعنی در هر بیت حدود سه کلمه عربی وجود داشته است و در ۲۹۴ بیت صائب ۷۱۷ کلمه عربی وجود داشته (۲/۴۳٪).

۲-۲-۳. ترکیبات اضافی: در این قسمت نیز ترکیبات اضافی - خواه وصفی و خواه اضافی - لحاظ شده است. گاهی اوقات بیش از دو کلمه به هم اضافه شده است، این موارد را بصورت یک مورد نوشته و در نتیجه گیری نیز فقط یک مورد به حساب آورده‌ایم. در ۲۳۸ بیت حافظ ۴۵۲ ترکیب اضافی وجود دارد (۱/۹) و در ۲۹۴ بیت صائب ۵۶۸ مورد (۱/۹).

۲-۲-۴. ترکیب سازی: مراد ما از ترکیب سازی کلمات مرکبی است که تقریباً کوتاه شده یک جمله‌اند و بدون کسره اضافه آمده‌اند. در بسیاری از موارد این ترکیبات ساخته شاعر نبوده و قبل از او ترکیبی مشهور بوده است. در ۲۳۸ بیت حافظ ۱۰۸ مورد ترکیب سازی صورت گرفته است (۰/۴۵٪) و در ۲۹۴ بیت صائب ۱۳۸ مورد (۰/۴۷٪).

۲-۳. نحوی

۲-۳-۱. جملات دارای منطق نثری: ۱۶۷ جمله در ۲۳۸ بیت حافظ دارای منطق نثری اند (۷۰٪) و ۱۵۰ جمله از ۲۹۴ بیت صائب دارای منطق نثری اند (۵۱٪). ناگفته پیداست که این جملات باید به تعداد کل جملات ابیات سنجیده می‌شد نه با تعداد ابیات؛ زیرا یقیناً تعداد جملات ابیات با هم یکسان نیست. اما آنچه مسلم است، زبان حافظ نسبت به زبان صائب روانتر و به منطق نثری نزدیکتر است و اگر تعداد جملات ابیات نیز که کاری طاقت فرسا و تقریباً مشکل و از طرفی دیگر بی فایده خواهد بود، استخراج شود، نتیجه‌ای جز این حاصل نخواهد شد.

۳. سطح فکری

هر چند در بسیاری از مکاتب سبک شناسی؛ بویژه مکاتبی که مبتنی بر مسائل زبان‌شناسی است، معمولاً سطح فکری نادیده گرفته شده است؛ اما در این مقاله از سطح فکری غزل‌ها که اساسی‌ترین وجه متمایز حافظ و صائب است، غافل نمانده‌ایم. در اینجا چند نکته اساسی که عمده تفاوت غزلیات حافظ با صائب است، یادآوری می‌شود:

۳-۱. در غزلیات حافظ بیشتر، معانی و موضوعات اساسی مطرح است؛ اما در غزلیات صائب مضمون و تصویرسازی اهمیت دارد. چنانکه مشهور است، سبک هندی غنای تصویرسازی و مضمون‌گرایی توأم با فقر معنی است. صائب بیشتر از حافظ دغدغه شعر و خلاقیت هنری داشته و کمتر به معنی اندیشیده است. از بسیاری واژه‌ها که حافظ و شعرای سبک عراقی و خراسانی خلق معنی کرده‌اند، او برای اهدافی غیر از معنی پردازش استفاده کرده است. «مضمون سازی با اصطلاحات ادبی و مفاهیم و الفاظ مربوط به قلمرو شعر و ادب بیانگر این واقعیت است که اهل سخن در این عهد-سبک هندی- بیش از حد، دغدغه شاعری داشته‌اند و به شعر و شاعری می‌اندیشیده‌اند. اغلب ابیات اسلوب معادله هستند، شاعر ادعایی را در مصرع اول طرح می‌کند و در مصرع دوم برای آن مثلی از عالم ادبیات و فن شعر می‌آورد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

۳-۲. یکی از نکته‌های مشترک صائب و حافظ صوفی ستیزی آنان است. صائب نیز مانند مقتدای خود- حافظ- به جنگ صوفیان ریاکار می‌رود؛ اما از آنجا که حافظ در زمان خود با این صوفیان واقعاً درگیر بوده، کلامش دلنشین‌تر و طنزهایش در نهایت اختفا، نیش‌دار است. در حالی که این زهد ستیزی صائب بیشتر به تقلید از حافظ و احیاناً برای مضمون‌آفرینی است. دشتی معتقد است: حافظ علی‌رغم اینکه «با صوفیان و زاهدان و سایر دگه‌داران شریعت و طریقت میانه خوبی نداشته، لیکن به حقیقت تصوف و معانی عرفانی اذعان داشته است... از ابیات بی‌شماری که در دیوان صائب ثبت شده، این تقارب فکری مشهود و محسوس است» (دشتی، ۱۳۶۴: ۱۷۸-۱۷۷). دشتی جایی دیگر معتقد است که صائب نیز مانند حافظ با این طایفه درگیر بوده است: «از این حیث حافظ را بهترین مقتدای خود دانسته و رنجی را که از دست فقیه و محتسب، صوفی ریاکار و واعظ بی عمل کشیده، خوب به تصویر کشیده» (همان، ۱۸۷).

نتیجه

در بدیع معنوی در بعضی از موارد؛ از جمله تناسب، تلمیح و حسن تعلیل تفاوت چندانی در بین غزل‌های حافظ و صائب نیست. در مواردی مانند ایهام و تضاد غزلیات حافظ برتر از غزلیات صائب است. بسامد استخدام، ایهام تناسب و ایهام تضاد اشعار صائب از اشعار حافظ بیشتر است. جز در مورد مجاز، بسامد موارد دیگر (کنایه، استعاره و تشبیه) در غزلیات صائب از حافظ بیشتر است. در بخش آوایی، توزیع هجا به طور عجیبی در اشعار هر دو شاعر یکسان است. به طور کلی در بدیع لفظی غزل‌های حافظ از غزل‌های صائب موسیقایی‌تر است. در بخش لغوی، تکرار قافیه در غزلیات صائب به مراتب بیشتر از حافظ است. کلمات عربی حافظ اندکی بیشتر از کلمات عربی صائب است و ترکیبات اضافی و ترکیب سازی هر دو شاعر تقریباً یکسان است. زبان حافظ به طور کلی نسبت به صائب به منطقی‌تری نزدیک‌تر است. در سطح فکری صائب بیشتر به مضمون سازی و تصویرپردازی پرداخته، در حالی که حافظ به معانی و اندیشه‌های والایی اشاره کرده است. چنانکه مشاهده شد در بخش‌های دیگر، اشعار حافظ برتری کاملاً محسوسی نسبت به اشعار صائب نداشت (در مواردی برعکس هم بود) اما این فکر و اندیشه والای حافظ است که شاعرانی مانند صائب با تمام ارزش‌های ادبی و زبانی که دارند، همچنان در زیر سایه شهرت او قرار می‌گیرند.

منابع

- ۱- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی. (۱۳۸۲). *غزالان الهند، مصحح، سیروس شمیسا، تهران: انتشارات صدای معاصر، چاپ اول.*
- ۲- حافظ، خواجه شمس الدین. (۱۳۷۰). *دیوان حافظ، به تصحیح غنی- قزوینی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سوم.*
- ۳- حسن پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). *طرز تازه، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.*
- ۴- حسینی، حسین. (۱۳۶۸). *بیدل، سپهری و سبک هندی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.*
- ۵- دشتی، علی. (۱۳۶۴). *نگاهی به صائب، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سوم.*
- ۶- زریاب خوبی، عباس. (۱۳۷۴). *آئینه جام، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.*
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). *شاعر آینه‌ها، تهران: انتشارات آگه، چاپ چهارم.*
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *سبک شناسی شعر، تهران: انتشارات فردوس، چاپ نهم.*
- ۹- _____ . (۱۳۷۲). *کلیات سبک شناسی، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.*
- ۱۰- _____ . (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع، تهران: انتشارات فردوس، چاپ چهاردهم.*
- ۱۱- صائب تبریزی، محمد علی. (۱۳۶۴). *دیوان صائب، به کوشش محمد قهرمان، تهران: ۶ جلد، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.*
- ۱۲- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). *نقد ادبی در سبک هندی، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.*

۱۳- مجتبابی، فتح الله. (۱۳۸۶). شرح شکن زلف، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.

۱۴- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۸۴). مکتب حافظ، تبریز: انتشارات ستوده، چاپ چهارم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی